

رویکردهای مختلف روشی در مطالعات سیاسی اسلام

عارف وفایی^۱

محمد رسول حسنیار^۲

چکیده

اندیشه‌های سیاسی به عنوان بخشی از اندیشه‌های کلی بشر؛ شامل موضوعات و مفاهیمی است که در ارتباط به چگونگی و ضرورت نظام سیاسی، مشروعیت حکومت، اداره جامعه، سعادت و رفاه بشر و... مطرح شده و به توضیح و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. دانشمندان و متفکران برای بررسی این مسائل ناگزیر به انتخاب روش‌هایی است که قدرت و توانایی پاسخ‌گویی به این موضوعات را داشته باشند. روش در حقیقت به مسیر و ابزارهای توجه دارد که یک محقق برای یافتن پاسخ به پرسش‌های سیاسی‌اش انتخاب می‌کند. از همین جهت یافته‌های پژوهشگران ممکن با توجه به انتخاب روش و ابزارهای متفاوت، نیز یکسان نباشند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخ به این سوال است که؛ در حوزه تمدنی اسلامی چه روش‌های برای پاسخ به مسایل سیاسی وجود دارند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش ارائه می‌گردد، بیانگر این واقعیت است که در حوزه تمدنی اسلامی سه رویکرد درون دینی اصلی وجود دارد که به توضیح و تفسیر از مسایل سیاسی و دیگر موضوعات مرتبط به آن می‌پردازد. این رویکردها با توجه به میزان استفاده‌شان از عقل به فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی تقسیم می‌شوند.

کلید واژه: اندیشه سیاسی، روش شناسی، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی و فقه اسلامی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل - دانشگاه بین‌المللی اهلبیت (ع) تهران.

Email: wafayearif@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل - دانشگاه بین‌المللی اهلبیت (ع) تهران.

مقدمه

انسان‌ها در طول تاریخ همیشه با مشکلات و مسایل جدید رو به رو بوده است، که این مسائل گاهی با رهنمایی خداوند از طریق فرستادن پیامبران و یا کتاب‌های مقدس حل شده است و خداوند در زمان‌های مختلف به یاری، کمک و هدایت انسان شتافته است. گاهی انسان‌ها با تلاش، تفکر و همکاری خود با یکدیگر به مسائل زمانه‌ای شان پاسخ داده‌اند. پاسخ‌های که راه را برای اندیشه ورزی و کسب معرفت بیشتر برای نسل‌های بعدی هموار می‌سازد.

دین اسلام آخرین دین و پیام الهی بود که برای رهنمایی بشر توسط حضرت محمد (ص) آورده شد و به میزان نیاز مسلمان‌ها در زمان حیات پیامبر برای مسلمان‌ها تبلیغ و منتشر شد. پیامبر در عرصه‌های مختلف به تربیت و راهنمایی مسلمانان پرداخت و تلاش کرد که به بسیاری از پرسش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشر در آن زمان پاسخ دهد. اما با رحلت پیامبر (ص) مشکلات تازه برای مسلمانان به وجود آمد که مهم‌ترین آن مسئله امامت و جانشینی پیامبر بود. مسلمانان برای رسیدگی به این موضوع با توجه به فهم و تفسیرهای شان از متن و احادیث پیامبر اختلاف نظر داشتند. این مسئله باعث شد تا عقاید مختلف سیاسی در بین مسلمانان شکل بگیرد و مسلمانان به شیوه‌های مختلف به تفسیر منابع و گسترش معرفت سیاسی بپردازند.

در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی مسلمانان به علاوه متون و منابع دینی، زندگی سیاسی پیامبر، امامان و خلفای اسلامی نیز تأثیری مهم داشته است. اما نقش اندیشه‌های فلسفی یونانی و الگوهای نظام‌های سیاسی ایران، رم و... را نیز نمی‌توان در تأثیر پذیری اندیشه‌های سیاسی و به ویژه فلسفه سیاسی اسلامی، نادیده گرفت. اندیشمندان اسلامی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد و... با مطالعه منابع فکری یونانی و به ویژه افلاطون و ارسطو تحول مهمی در حوزه فلسفه سیاسی به وجود آوردند.

اندیشه‌های سیاسی اسلام را با توجه به میزان استفاده و بهره‌گیری از عقل می‌توان دسته‌بندی کرد؛ دسته‌ای از افراد که علاقه خاصی به استفاده از عقل برای طرح و پاسخ به پرسش‌های سیاسی داشتند و تنها از عقل برای فهم آموزه‌های سیاسی و توضیح مفاهیم سیاسی بهره می‌گرفتند، فلسفه سیاسی اسلام را شکل دادند. گروه دیگر از علمای اسلامی که عقل را تنها برای فهم و توضیح مسایل سیاسی کافی نمی‌دانستند بلکه به منابع دینی و به ویژه کتاب و سنت اعتبار بیشتر قائل بودند، کلام سیاسی را به وجود آوردند. و سرانجام دسته سوم که در تفسیر و توضیح مسائل سیاسی تنها کتاب و سنت را کافی می‌دانستند، نقش و دخالت عقل در فهم آموزه‌های دینی و سیاسی را انکار کردند. این دسته با مطرح کردن و برجسته کردن فقه سیاسی زمینه استدلال‌های عقلانی در تفسیرهای شان را از بین بردند، هرچند در این مورد تفاوت‌های میان فقه سیاسی شیعه و سنی وجود دارد، اما باز هم

در هردو رویکرد نقش عقل خیلی چشم گیر نیست. غیر از این سه رویکرد، رهیافت‌های دیگری نیز در حوزه تمدنی اسلامی وجود دارد که قرائت خاص و روش خاص در تفسیر آموزه‌های دینی دارد که می‌توانیم از تصوف و یا عرفان اسلامی نام ببریم. این رویکرد به علاوه این که از عقل در تحلیل‌های شان بهره نمی‌گیرند، اکثر عقاید شان در مخالفت و ضدیت با عقل نیز مطرح می‌شوند و از طرفی چون مسایل سیاسی نیز برای این گروه اهمیت زیادی ندارد به آن خیلی نمی‌پردازند. از همین جهت در این مقاله نظریه‌های آن مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

سوال اصلی که این مقاله به دنبال پاسخ به آن است این می‌باشد که؛ در حوزه تمدنی اسلامی چه روش‌های برای پاسخ به مسایل سیاسی وجود دارند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش ارائه می‌گردد، بیانگر این واقعیت است که در حوزه تمدنی اسلامی سه رویکرد درون دینی اصلی وجود دارد که به توضیح و تفسیر از مسایل سیاسی و دیگر موضوعات مرتبط به آن می‌پردازد. این رویکردها با توجه به میزان استفاده شان از عقل به فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی تقسیم می‌شوند.

روش شناسی در اندیشه‌های سیاسی اسلام

اندیشه سیاسی مفهومی عام و کلی است که هرگونه تفکر کردن در موضوع سیاست را شامل می‌شود. اندیشه سیاسی به عنوان بخشی از شبکه اندیشه بشر، در تلاش او برای تعریف، تبیین و تعیین مناسبات خود با خارج، همیشه با زندگی اجتماعی انسان همراه بوده است. هدف اندیشه سیاسی، نه کشف حقیقت سیاست، بلکه کوششی عملی برای یافتن راه‌هایی در جهت افزایش کارآمدی، تنظیم و اداره بهتر مدینه بوده است (علیخانی، ۱۳۸۸: ۴۱). بنابراین؛ ایجاد و گسترش اندیشه‌های سیاسی نیازمند انتخاب روش‌های مناسب و درست است که اندیشه ورزان آن را اتخاذ می‌نمایند.

روش یا method به معنای "در پیش گرفتن راه" است، زیرا که meta یعنی "در طول" و odos یعنی "راه" تعبیر شده است. روش عبارت از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دست یابی به شناخت یا توصیف واقعیت است. بنابراین؛ به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند (حقیقت، ۱۳۸۲: ۱۵۵). از همین رو؛ پیشرفت هیچ اندیشه‌ای بدون گزینش روش‌های کارآمد ممکن نیست و این روش‌ها با توجه به منابع معرفت شناختی در هر جامعه و فرهنگی متفاوت است. دانشمندان و پژوهشگران اسلامی نیز جهت استنباط معرفت و توسعه اندیشه‌های سیاسی به روش‌های مختلف متوسل شده‌اند.

مهم ترین رهیافت در مطالعات و اندیشه سیاسی اسلام، کثرت گرایی روش شناختی است. مراد از کثرت گرایی روش شناختی، محدود نماندن به نظام و چارچوب یک گستره معین و فراتر رفتن از روش‌ها و رویکردهای خاص است. انتخاب روش‌های مختلف، خود محتاج روش است. کثرت گرایی

روش شناختی، محقق را به اخذ رهیافت‌های متنوع دعوت می‌کند؛ یعنی جستار در حوزه اندیشه سیاسی اسلام با استفاده توأم از مطالعات درون دینی و برون دینی. گرفتن روش‌های متنوع به صورت‌های مختلف، قابل تحقیق است؛ برخی از آن‌ها خط مطالعاتی را عقیم می‌کند و برخی دیگر سبب اثر بخشی تحقیق می‌گردد (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

دین اسلام اساساً متن محور است و هیچ مسلمانی نمی‌تواند یکسره خود را از متن آزاد سازد و خارج و مستقل از متن، مسلمانی کند؛ اما این نکته نیز واضح است که برای قرائت یک متن، روش واحدی وجود ندارد و با روش‌های متفاوت نیز، نتایج کاملاً متفاوتی حاصل می‌شود. باتوجه به همین نکته اساسی است که روش شناسی در مطالعات دینی اهمیت می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۸: ۱۸۸). مهم‌ترین منابعی که در دین اسلام وجود دارد و از آن استنباط احکام، نظریه پردازی و هنجارهای اجتماعی کشف می‌شود، عبارت از قرآن و سنت است. گزاره‌های سیاسی و ارزش‌های سیاسی که توسط دانشمندان اسلامی ایجاد می‌شود، باید با آیات قرآن کریم و احادیث نبوی سازگاری داشته باشد. تا حال دانشمندان اسلامی تفسیرهای متفاوت از متون اسلامی ارائه داده، که ریشه‌های این تفاوت را می‌توان در گزینش روش‌هایی جستجو کرد که این دانشمندان در تحلیل و تحقیق شان در نظر می‌گیرند. گرچه در قرائت متون دینی و گسترش اندیشه‌های سیاسی تا اکنون از روش‌های زیادی استفاده شده؛ اما در اینجا ما صرف به روش‌های درون دینی، یعنی روش‌هایی که از اوایل اسلام تاکنون در تمدن اسلامی مروج بوده و از آن جهت تحقیق و گسترش اندیشه‌های سیاسی استفاده شده است، می‌پردازیم. این روش‌ها عبارت اند از؛ فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی که در ذیل به تفصیل به هر کدام می‌پردازیم.

فلسفه سیاسی

فلسفه بیشتر به شیوه اندیشیدن و تفکر کردن انسان راجع است؛ یعنی تلاشی انسان توسط عقل برای یافتن پاسخ به سوال‌هایی که نسبتاً پایدار است. پرسش‌هایی که موضوع آن خدا، طبیعت و انسان است. فکر فعالیتی است که بر اساس آن، ذهن برای آن که مطلبی را که برای او مجهول است، برای خود معلوم کند. معلومات و اطلاعات پیشین خود را وسیله می‌سازد و آن‌ها را به گونه‌ای مخصوص تجزیه و تألیف و تحلیل و ترکیب می‌کند تا سرانجام مجهول را به معلوم تبدیل کند. ذهن به وسیله فعالیت فکری پیشروی می‌کند و مجهولی را تبدیل به معلومی می‌کند و از این راه بر معلومات خود می‌افزاید و ممکن است که این پیشروی ادامه یابد؛ اما پیشروی ذهن به خودی خود و ابداعی محض نیست، بلکه در نتیجه تصرف و استفاده معلومات پیشین از ذهن است. در حقیقت همان اطلاعات و ادراکات است که موجب این پیشروی می‌گردد و ادراکات جدید را به وجود می‌آورد و از این نظر افکار و ادراکات جدیدی که به وسیله عمل تفکر برای ذهن به دست می‌آید، همواره از

نوع همان معلومات پیشین است و میان آن ها سنخیت وجود دارد. این رابطه و بستگی اطلاعات و معلومات قبلی با نتیجه جدیدی که به وسیله تفکر بر اصول و قوانین منطق به دست می آید، به رابطه تولیدی معروف است (پزشکی، ۱۳۸۸: ۲۷۹).

فلسفه سیاسی اکثرا به شیوه ای انتزاعی با غایات حکومت و ابزارهای مناسب دستیابی به بهترین شکل حکومت ممکن سروکار دارد. مهم ترین موضوعات فلسفه سیاسی را مباحثی چون؛ چگونگی احراز حقیقت، عدالت، مبانی خیر و صلاح عمومی، لوازم آزادی و برابری، استوار کردن زندگی سیاسی بر اصول اخلاقی، دلیل ضرورت وجود حکومت، دلائل اتباع از قدرت و جزء آن تشکیل می دهد (بهداروندیانی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). بنابراین؛ با مطالعه و فهم دقیق آثار و منابع اصیل فلسفه اسلامی و مقایسه آن با دیگر فلسفه های سیاسی، می توان به این نتیجه رسید که "فلسفه سیاسی اسلامی" به دنبال فهم فلسفی آموزه های وحیانی در جهت تبدیل باور انسان به معرفت است. قید "اسلامی" نیز می تواند اشاره به دو مسئله مهم داشته باشد؛ اول آنکه فلسفه سیاسی اسلامی، فلسفه ای است که در حوزه تمدن اسلامی شکل گرفته و نمایندگانی چون؛ فارابی، ابن سینا، ابن رشد و غیره دارد. دوم آنکه این فلسفه در پردازش به مسائل و مباحث فلسفه سیاسی، علاوه بر استفاده از منابع فکری سیاسی یونان، به ویژه آثار افلاطون، هرگز از وحی و آموزه های شریعت اسلامی غافل نبوده است؛ لذا پیوند دو سویه با آموزه های افلاطونی و اسلامی دارد (رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

علی اکبر علیخانی فلسفه سیاسی را یک رشته مستقل می داند که دیسپلین و مقتضیات خاص خود را دارد، بنابراین؛ نباید تحت فلسفه مورد بحث قرار گیرد. استقلال فلسفه سیاسی به این معناست که این رشته منطق و قواعد خاص خود را دارد، این امر با تعامل میان این دو حوزه یا وجود وجوه مشترک، منافاتی ندارد. براین اساس، تمایز فلسفه سیاسی از سایر دانش های حوزه سیاست، یک تمایز روشی است که عمدتا در نوع بررسی موضوعات نمود پیدا می کند؛ یعنی به طور دقیق و ریشه ای با چگونگی و چرایی کامل و قائل شدن نقش اصلی برای عقل، به بحث می پردازد در این روش برخی موضوعات سیاسی بیشتر در کانون بحث قرار می گیرند و برخی از این حوزه خارج می شوند ولی این صرفا یک "ایجاب روشی" است، نه ایجاب موضوعی، زیرا همه موضوعات کمابیش سیاسی است. بنابراین؛ فلسفه سیاسی اسلام عبارت است از معرفت به موضوعات کلان و مبنایی سیاسی جامعه اسلامی. این معرفت به دو دلیل ضرورتا عقلی است؛ اول این که معرفت است و عقل پایه مهم شناخت به شمار می رود دوم این که در هر زمان به مسائل سیاسی جامعه اسلامی می پردازد. هم زمان و هم مسائل جامعه اسلامی، واقعیت هایی هستند که بررسی عمیق آن ها نقش و دخالت مستقیم عقل را می طلبد (علیخانی، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۵).

نخستین فیلسوفان که به بررسی دولت و مسایل مرتبط به چگونگی اداره جامعه اسلامی با توجه به منابع اسلامی از عقل کار گرفتند؛ فارابی، ابن سینا، غزالی، ابن رشد و... بودند. این دانشمندان به مفاهیم مانند؛ ضرورت ایجاد دولت، مشروعیت، عدالت، رهبری حکومت و... در جامعه اسلامی پرداختند. این فیلسوفان تقسیم بندی های مختلف از نظام های سیاسی ارائه دادند و نظام های مورد نظرشان را ترسیم نمودند.

تقسیم بندی فارابی از نظام های سیاسی کاملاً نشأت گرفته از نگرش وی به مسئله سعادت است. تبیین مدینه فاضله از سوی فارابی هرچند با اقتباس از دیدگاه افلاطون در کتاب "جمهور" و همچنین "نوامیس" بررسی شده است، اما شاکله مدینه فاضله و وجه اصلی تمایز آن از مدن غیر فاضله بر پایه نوع نگرش به مفهوم سعادت و عملکرد شهروندان تبیین شده است. فارابی مدینه فاضله را مدینه ای در نظر می گیرد که نخست، مردم و شهروندان آن مدینه و جامعه، سعادت و راه نیل به آن را شناخته اند و در مسیر آن با رفتاری صائب و اخلاقی فاضله گام برمی دارند. دوم رئیس مدینه که فیلسوف است در رأس مدینه قرار دارد و مردم را در مسیر نیل به سعادت رهبری می کند. سوم، فارابی سعادت واقعی را نه در کسب هرچه بیشتر لذت و یا افتخارات و اموال؛ بلکه در شناخت مبدأ و معاد و باور به نبوت و پیروی از احکام شریعت که متضمن سعادت ابدی است، تبیین می کند. فارابی همیاری مردم در مدینه فاضله را نیز جهت دار و مشتمل بر اموری می داند که موجب سعادت است (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

بعد از فارابی ابن سینا و غزالی به اندیشه ورزی در باب چگونگی وجود نظام های سیاسی شخصیت زمامدار جامعه اسلامی پرداختند، اما بعد از غزالی کم کم شاهد زوال فلسفه سیاسی در تمدن اسلامی هستیم. با زوال فلسفه در تمدن اسلامی، روش های کلامی و فقهی گسترش می یابد. اما فلسفه سیاسی بعد از رنسانس و عصر روشنگری در غرب دوباره در میان دانشمندان مسلمان مطرح می گردد هرچند این بار فلسفه سیاسی تحت تأثیر و نفوذ اندیشه های غربی قرار دارد. با گسترش روش های علمی و پوزیتیویستی در غرب فلسفه سیاسی نیز تحت تأثیر اثبات گرایی قرار گرفت و مسایل فلسفه سیاسی بیشتر با رویکرد علمی مورد بررسی و فهم قرار می گرفت. این نوع فهم از فلسفه و فلسفه سیاسی، هرچند امکان تحقق دارد، اما امروزه وجود خارجی آن مشکل است. در دنیای مدرن، ظهور مکاتبی همچون پوزیتیویسم، تاریخی گرایی، نسبی گرایی و دیگر مکاتب مبتنی بر عقل و اندیشه مدرن، باعث گردید که فلسفه سیاسی به معنای واقعی جای خود را به علم سیاسی، نظریه سیاسی و در نهایت به تاریخ فلسفه سیاسی بدهد (رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

کلام سیاسی

از نظر ابن خلدون کلام علمی است متضمن دفاع از عقاید ایمانی به وسیله دلایل. ابن خلدون برای ظهور علم کلام دلایلی را ارائه می کند که مرجع آن نیز قرآن است: وی می گوید برخی از آیات قرآن از محکمت است، یعنی آیاتی است که درک معانی آن ها آسان است. و برخی متشابهات است، یعنی آیاتی است که درک معانی آن ها آسان نیست. و خواننده در معنای آن ها دچار اشتباه می شود آیات متشابه، موجب پاره‌ای اختلافات شد که در توجیه آن ها علاوه بر دلایل نقلی به استدلال های عقلی هم‌نیاز می‌افتاد؛ و همین استدلال ها سبب تکوین علم کلام گردید (فاخوری، ۱۳۷۳: ۱۴۱).

کلام سیاسی یکی از رهیافت های دیگر در اندیشه های سیاسی اسلام است موضوع کلام سیاسی "فعل خداوند" است فعلی که در ارتباط با مسایل سیاسی و اداره و حل و فصل آن هاست. از آغاز ظهور اسلام، مسئله رهبری و امامت همواره مورد توجه مسلمانان بوده است و پس از رحلت پیامبر اسلام این موضوع محل اختلاف بزرگی در میان مسلمانان گردید (بهداروندیانی، ۱۳۸۹، ۱۶۳). برخلاف فقه که موضوعات آن مربوط به فروع دین است؛ کلام به اصول دین توجه دارد و مباحث اصلی سیاسی خود را پیرامون موضوعات چون؛ لطف خداوندی، رهبری، امامت و خلافت، عصمت، انتصاب، نقش مردم، جبر، آزادی، حسن و قبح عقلی، حسن و قبح ذاتی مطرح می نماید (بهداروندیانی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). اولین مسئله مهم کلامی که در میان مسلمانان به وجود آمد، نزاع بر سر جانشینی پیامبر (ع) و مسئله امامت بود.

شیعیان معتقدند که پیامبر در واقع جانشینی برای خودش تعیین کرده بود که او همانا داماد و پسر عمش علی (ع) است. به اعتقاد شیعیان این انتصاب در آخرین حج پیامبر (ص) صورت گرفت. بنابراین از نظر شیعیان عدل و لطف الهی در حق بندگانش ایجاب می کند که مسئله امامت را بلا تکلیف نگذارد. همان ملاحظات عقلانی که ارسال پیامبران را ایجاب کرده بود، ایجاب می کند که در غیاب آن ها رهبران معصومی برای سرپرستی یا ولایت پیروان آن ها تعیین گردد (عنایت، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲). از سویی شیعیان امامت را اصلی از اصول دین می دانند و معتقدند که امامت نه بر مردم، بلکه بر خداوند واجب است. بنابراین؛ امامت چیزی نیست که به رأی و نظر مسلمانان وانهاده شود، بلکه امری است که منحصرًا به عهده خدا و رسول اوست. متکلمین شیعه در توضیح اندیشه خود در باب امامت، منظومه از استدلال عقلانی را طرح می کنند که در تاریخ اندیشه اسلامی به "قاعده لطف" مشهور است (فیرحی، ۱۳۹۵: ۱۸۸).

برخلاف تشیع، اهل سنت معتقدند که پیامبر عالما و عامدا مسئله جانشین را باز گذاشت و آن را به عهده امت قرار داد که تعیین کند چه کسی صالح تر و سزاوارتر برای جانشینی او و ادامه رهبری

اوست. بنابراین؛ عده از اصحاب پیامبر در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و در مورد مسئله خلافت باهم بحث کردند که در نتیجه ابوبکر به عنوان اولین خلیفه مسلمانان تعیین گردید و از سایر مسلمان ها نیز خواسته شد که با اجماع شورای حل و عقد بیعت نموده و از دستورات خلیفه اطاعت کنند. بدین سان اصطلاحات کلیدی سیاسی برای شیعه امامت، ولایت و عصمت بود و در حالی که برای سنیان مفاهیم مانند خلافت، اجماع و بیعت از اعتبار برخوردار گردید (عنایت، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۶).

کلام سیاسی از جهت کلام بودن، دارای برخی ویژگی ها و رویکردهای روشی است که بر همه گرایش های کلامی صدق می کند. اولین ویژگی روشی کلام سیاسی "اصالت نقل و نص" است. دومین ویژگی روشی کلام سیاسی، در حاشیه راندن عقل و علم بشری نسبت به نص می باشد. سومین ویژگی روشی کلام سیاسی، "آخرت گرایی" است (علی خانی، ۱۳۸۸: ۶۰). بنابراین؛ تقدم و تأخر این ویژگی برای بررسی مسایل سیاسی بعد از مسئله امامت، دومین اختلاف مهم بود که میان مسلمانان به وجود آمد. اختلاف در مورد تقدم قراردادن نص و عقل نخست میان شیعیان و سنیان وجود دارد و در قدم دوم در میان شیعیان دو گروه اخباریون و اصولیون و در میان سنیان دو گروه معتزله و اشاعره باهم اختلاف دارند.

کلام سیاسی از جهت کلام بودن، دارای برخی ویژگی ها و رویکردهای روشی است که بر همه گرایش های کلامی صدق می کند اولین ویژگی روشی کلام سیاسی "اصالت نقل و نص" است. دومین ویژگی روشی کلام سیاسی، در حاشیه راندن عقل و علم بشری نسبت به نص می باشد سومین ویژگی روشی کلام سیاسی، "آخرت گرایی" است (علی خانی، ۱۳۸۸: ۶۰). بنابراین؛ تقدم و تأخر این ویژگی برای بررسی مسایل سیاسی بعد از مسئله امامت، دومین اختلاف مهم بود که میان مسلمانان به وجود آمد. اختلاف در مورد تقدم قراردادن نص و عقل نخست میان شیعیان و سنیان وجود دارد و در قدم دوم در میان شیعیان دو گروه اخباریون و اصولیون و در میان سنیان دو گروه معتزله و اشاعره باهم اختلاف دارند.

در مورد دیدگاه اخباریون و اصولیون باید گفت که؛ اخباریون معتقدند که در صورت تعارض بین عقل و شرع و نقل، دلیل نقلی مقدم است، در حالی که اصولیون دلیل عقلی را مقدم می شمارند و معتقدند که در عصر غیبت اجتهاد مجتهدان در رابطه با مسائل شرع مشروع است و منابعی که برای استنباط اجتهادی قائل هستند، در بر گیرنده قرآن، سنت، عقل و اجماع می باشد از نظر آنان افراد جامعه شیعه یا مجتهدند یا مقلدند و یا کسانی که توان استنباط احکام را نداشته باشند، باید به یک مجتهد رجوع نمایند (درخشه، ۱۳۹۳: ۷۰). به عبارت دیگر، اخباری گری شیعه مانند اهل حدیث در سنی، منکر حجیت عقل بوده و مراجعه غیر معصوم به قرآن برای استنباط احکام را جایز نمی داند. غیر معصوم صرفا می تواند به احادیث و روایات منقول از معصوم مراجعه نماید. این تفکر همچنین

برای اجماع نیز سندیت و اعتبار معرفتی قائل نیست. بنابراین؛ اخباری گری در مقابل اجتهاد و عقل‌گرایی اصولیون شیعی قرار می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۹۰).

در میان سنیان نیز در مورد تقدم اعتبار نص و عقل اختلاف نظر وجود دارد، از این رو، معتزله بر اساس سیاق فکری خود، باورهای دینی را با محک عقل ارزیابی می‌کردند و ناگزیر حکومت و فرد زمامدار یعنی امام را عموماً توجیه عقلانی می‌کردند، اما اشاعره در مقابل معتزله توسط ابوالحسن اشعری به وجود آمد که بیشتر نظریه پردازان و حامیان اندیشه خلافت به لحاظ کلامی جز این فرقه بودند و از بیان عقلی برای تأیید و تأکید اصحاب حدیث و حدیث‌گرایی استفاده می‌کردند (بهداروندیانی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). بنابراین؛ اهل حدیث عقل را به عنوان یک منبع فهم و شناخت اصول و فروع دین معتبر ندانسته ظواهر کتاب و سنت را تنها منبع شناخت دینی قلمداد می‌کنند. بنابراین؛ آنان ارزش و اعتباری برای براهین عقلی و استدلالات منطقی برای شناخت معانی آیات قرآنی و احادیث قائل نیستند. از جانب دیگر، معروف‌ترین نحله فکری اسلامی که در به کارگیری روش عقلی در فهم دین راه افراط پیمودند، معتزله هستند. معتزلیان نه تنها برای عقل حجیت قائلند بلکه آن را برای درک و فهم بعضی از مسائل مستقل از شرع کافی می‌دانند. به گونه‌ای که در صورت تعارض نقل با عقل برای عقل اولویت قائل شده و به تأویل نقل می‌پردازند. بنابراین؛ عقل‌گرایی معتزلی برای نقلی که حتی سند مؤثق داشته باشد ارزش و اعتبار معرفت‌شناختی قائل نیست، این ویژگی عقل‌گرایی معتزله را از عقل‌گرایی شیعه که معتقد به اعتبار اسناد مؤثق نسبت به عقل است، متمایز می‌سازد. بنابراین؛ عقل‌گرایی شیعه از سه جهت از عقل‌گرایی سنی متمایز می‌گردد؛ نخست این که، حجیت نقل به عنوان یک منبع شناخت را انکار نمی‌کند و عقل را مقدم بر آن نمی‌دارد؛ دوم، علاوه بر عقل عادی بشر بر عقل برتر که از آن معصوم است اتکا می‌کند؛ و سوم، تنها از عقل برهانی و استدلالی بهره می‌گیرد نه عقل جدلی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۱).

موضوع دیگری که در میان شیعیان و سنیان اختلاف است، مسئله اجماع است؛ در شیعه اجماع کاشف از معصوم است و اعتبار و ملاک اجماع نیز روایت از معصوم است، یعنی اجماع به اساس تحقیق در روایات و احادیث صورت می‌گیرد. اما در میان اهل سنت اجماع به معنای اتفاق علما درباره موضوع و یا حکمی می‌باشد. بنابراین؛ منظور از نقش اجماع در نظام سیاسی اهل سنت، اجماع بر شخص خلیفه نیست؛ بلکه اجماع صحابه و مسلمانان بر وجوب تأسیس خلافت به عنوان نظام سیاسی است و چون اصل اجماع با توجه به مبانی اجتهاد سنی مستند به قرآن و سنت است، بنابراین؛ اندیشمندان سنی نیازی نمی‌بینند که ضرورتاً به ادله شرعی دیگری برای مشروعیت خلافت اسلامی استناد کنند، بلکه تنها به دلیل اجماع کفایت می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۵: ۸۶).

فقه سیاسی

زندگی انسان‌ها با تغییرات و تحولات رو به رو است، این تغییرات پرسش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد که نیازمند پاسخ از دین است. دانشی که مسلمانان برای پاسخ به این سوالات بنیان کردند، به نام "فقه" یاد می‌شود. علم فقه علم استنباط احکام شرعی است. بخشی از احکام دارای دلایل متقن و معتبر در متون دینی است و پاره‌ای از احکام چنین نیست. بخشی از مسائل مربوط به عبادات و یا چگونگی رابطه فرد با خدا است و اکثر مسائل مربوط به زندگی اجتماعی و یا روابط افراد با یکدیگر، روابط افراد با دولت و نیز روابط دولت‌ها با یکدیگر، می‌باشند. بنابراین؛ شیوه استنباط احکام شرعی، اعم از سیاسی و غیر سیاسی، یکی از کانون‌های نزاع و چالش را تشکیل می‌دهد (لکزایی، ۱۳۸۸: ۴۳۲). فقه در لغت به معنای مطلق فهم یا فهم دقیق مسائل نظری است و در اصطلاح دانستن احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آن‌هاست. بنابراین؛ فقه مطلق دانستن احکام نیست بلکه دانستن استدلالی احکام است، یعنی دانستن از روی ادله و وسائط در اثبات آن‌ها نه وسائط در ثبوت (به‌دروندی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

قرآن کریم مهم‌ترین منبع و نخستین مصدر فقه سیاسی است. قرآن کریم کلام الهی و در بر گیرنده پیام و وحی الهی است. اگرچه نسبت به مفهوم وحی، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است، از منظر فقه سیاسی، می‌توان وحی را به کلام خداوند در حوزه زندگی سیاسی معنا کرد. این مفهوم از وحی، مبتنی بر تحلیل معناشناختی خاصی است که در آن، ضمن پذیرش الهی بودن آن و صدور آن از سوی خداوند متعال، بر قابلیت فهم بشری آن نیز تأکید می‌شود (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۴۶۹ - ۴۷۰). بنابراین؛ فقه سیاسی با تعریف خاصی که دارد، هم شامل حوزه اندیشه سیاسی و هم شامل مباحث حقوق عمومی می‌شود. حقوق عمومی رشته جدیدی است که بسیاری از مباحث علوم سیاسی با حفظ تعریف حقوق و در قالب قواعد حقوقی در حوزه آن مطرح می‌شود. حقوق عمومی را می‌توان "ضابطه مند کردن کلیه مباحث سیاسی در قالب قواعد حقوقی" تعریف کرد. قاعده سازی در علوم سیاسی، رشته جدیدی است و تقریباً عام‌ترین، شامل‌ترین و کاربردی‌ترین رشته‌های حقوق و علوم سیاسی است (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۴۱۲).

تبیین مسائل سیاسی توسط فقها و با توجه به تسلط آنان بر منابع استنباط احکام یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل در فقه سیاسی مطرح می‌شود. بنابراین؛ فقها با تأمل در اصول کلی منابع و توجه به عنصر زمان و مکان به مشکلات سیاسی پاسخ می‌دهند. مهمترین موضوعات که در ذیل فقه سیاسی مطرح می‌گردد عبارت‌اند از؛ جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حربه، خراج، فیه، اموال، احکام سلطانی، ولایات و به ویژه ولایت فقیه می‌باشد که علما و فقه‌های شیعه و سنی در مورد آن به بحث و تحقیق می‌پردازند (به‌دروندی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). سنت یکی از منابع اصلی استنباط احکام در میان

فقه‌های شیعه و تسنن است که از دیر باز مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچند تفاوت‌های در مورد چگونگی پرداختن به سنت میان شیعه و سنی وجود دارد. سنت‌گرایی در فقه سیاسی اهل سنت به مفهوم مرجعیت فهم صحابه و پیشینیان و در نتیجه تداوم و استمرار آن در سنت فکری گذشته است، درحالی که سنت‌گرایی در فقه سیاسی شیعه به مفهوم مرجعیت فهم معصومین و ضرورت ارجاع به آنان در اثبات اعتبار و روایی فهم علمای پیشین است. در نتیجه می‌توان گفت که در فقه سیاسی اهل سنت، فهم صحابه و پیشینیان از اصالت برخوردار می‌گردد و در فقه سیاسی شیعه، فهم علمای پیشین فاقد اصالت است و اعتبار آن بستگی به کاشفیت از قول معصوم دارد (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۴۷۷).

به همین ترتیب، قیاس در فقه اهل سنت در کنار کتاب، سنت و اجماع از منابع احکام شرعی تلقی می‌شود، اما هیچ‌گونه استقلالی ندارد و در نتیجه مقصود از قیاس در واقع، قیاس به کتاب، یا به سنت و اجماع است. این درحالی است که عقل به عنوان یک منبع استنباط در فقه شیعه به رسمیت شناخته می‌شود و بر اساس قاعده ملازمه بین عقل و شرع، حجیت عقل ثابت می‌گردد. بنابراین؛ می‌توان فقه شیعه را بر خلاف فقه اهل سنت عقل‌گرا نامید و با تعمیم آن به فقه سیاسی، فقه سیاسی شیعه را برخلاف فقه سیاسی اهل سنت، دانش عقل‌گرا دانست. عقل‌گرایی فقه شیعه، هم به مفهوم پذیرش عقل به عنوان یک منبع معرفتی است و هم به مفهوم پذیرش عقل به عنوان روش استنباط حکم شرعی است. اگرچه در کتاب‌های اصولی پیشین چنین تفکیکی به وضوح صورت نگرفته است، به نظر می‌رسد بتوان به این نکته اشاره کرد که تا دوره شیخ طوسی عقل‌گرایی بیشتر به مفهوم پذیرش عقل به عنوان یک روش استنباط بوده است، شیخ طوسی به صراحت، عقل را به عنوان یک منبع معرفتی مطرح می‌کند و در آثار شیخ انصاری و آخوند خراسانی به رغم عدم صراحت در تبیین این تفکیک، کتاب و ابواب ویژه‌ای به هرکدام اختصاص داده می‌شود (همان: ۴۷۸-۴۷۹).

اجتهاد معمولاً در فقه عملی و محدود که همانا "ذکر و بیان احکام فردی" باشد، محصور است؛ اما اگر به زوایای گسترده فقه عملی نگاه شود، می‌توان بسیاری از مسائل گوناگون سیاست، اجتماع و اقتصاد را در بر گیرد و موضوع اسلام را نسبت به آنها تبیین کند (باقری، ۱۳۹۶: ۱۱۴). امروزه با تشکیل حکومت اسلامی، فقها و مجتهدان سیاسی می‌بایست در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مانند: امور مربوط به جامعه، دولت، مدرنیته، قانون، مصلحت، قدرت مشروعیت، علوم تجربی، حقوق، جنسیت، فرد، کودک، محیط زیست، آزادی، عدالت، مطبوعات، رسانه، روابط بین‌الملل، افکار عمومی، توسعه، مالکیت معنوی، انتخابات، عرف، نظارت و... اظهار نظر نمایند. هرچند در زمینه علوم انسانی نمی‌توان در خصوص مسائل و پدیده‌ها نظری واحدی یافت (باقری، ۱۳۸۸: ۵۱۱-۵۱۲). بنابراین؛ اجتهاد کارآمد و فقه روزآمد عبارت است از: فهم خردمندانه

متون دینی در بستر شرایط زمانی و مکانی؛ به تعبیر دیگر، تفقه یعنی "فهم وحی و سنت" به علاوه "خرد ورزی" به اضافه "زمان آگاهی". وقتی نصوص دینی به ساحت خرد و زمان آگاهی عرضه شود، اجتهاد روی می‌دهد؛ زیرا وقتی که عقل پا به عرصه دین فهمی می‌نهد، کارآمدی دین تضمین می‌شود و وقتی زمان آگاهی وارد فهم دین می‌شود، روزآمدی آموزه‌های دینی تأمین می‌گردد. اساسا اگر خرد ورزی و زمان آگاهی را در مقام فهم و تطبیق دین لحاظ نکنیم، اجتهاد و تفقه معنا نخواهد داشت و حذف این دو عنصر در مقام فهم دین، برابر است با تحجر و تجمد؛ همانطوریکه تحمیل این دو عنصر بر متن دینی نیز برابر است با التقاط و تجدد. بنابراین؛ یکی از انتقاداتی که بر فقه وارد بوده این است که فقه، فردی است و قدرت اداره حکومت و جامعه اسلامی را ندارد یا این که برخی از احکام آن، عادلانه و اخلاقی نیست. اگر دایره اجتهاد سیاسی طوری که امام خمینی بیان داشتند، متحول شود، و منابع استنباط آن نیز توسعه یابد، فقه سیاسی می‌تواند اداره جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و همچنان که گفته شد، رسالت اصلی فقه به طور کلی و فقه سیاسی به طور خاص اداره حکومت و جامعه اسلامی است (همان: ۵۱۹-۵۲۱).

از نظر شهید مطهری، تقسیم کار در فقه و به وجود آمدن رشته‌های تخصصی در فقهات، از صد سال پیش به این طرف ضرورت پیدا کرده است و در وضع موجود یا باید فقهای این زمان جلوی رشد و تکامل فقه را بگیرند و متوقف سازند و یا به این پیشنهاد تسلیم شوند. معمولا روش اجتهادی را به دو نوع اجتهاد درون رشته‌ای و فرارشته‌ای تقسیم می‌کنند؛ بنابراین، آنچه فقیهان بر اساس آموزش و پژوهش‌های انحصاری در زمینه‌های فقه، اصول، حدیث و رجال به استخراج احکام شرعی می‌پردازند، اجتهاد درون رشته‌ای نام می‌گیرد. در مقابل تلاشی که فقیه افزون بر دانش‌های یاد شده بر اساس کاوش‌ها و مطالعات گسترده دیگری در گستره علوم مرتبط با دین شناختی مانند؛ جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد، تاریخ، حقوق، علوم سیاسی و... انجام می‌دهد، در زمره اجتهاد فرارشته‌ای قرار می‌گیرد (باقری، ۱۳۸۸: ۵۲۷-۵۲۸). امروزه تخصص‌گرایی در اکثر رشته‌های علمی به وجود آمده است، دانش پژوهان هرکدام به تحقیق در حوزه مشخصی علاقه دارند. این موضوع در حالی که از یک سو باعث دریافت اطلاعات و دانش دقیق در مورد پدیده‌های سیاسی می‌گردد و باعث بیشتر انباشته شدن علم می‌شود، از جانب دیگر تخصص‌گرایی کارایی بیشتر در حوزه‌های مختلف گردیده است. بنابراین؛ تخصصی شدن فقه و همچنان استفاده کردن از یافته‌های سایر رشته‌های علوم اجتماعی و سیاسی در استنباط و بهره‌گیری احکام فقهی، باعث غنای بیشتر و کارآمدی بیشتر و در نتیجه سبب پاسخ‌گویی بیشتر به دانش، احکام و سوالات فقهی خواهد گردید.

همانطوری که بررسی شد اندیشه‌های سیاسی اسلام بعد از وفات پیامبر آغاز به شکل‌گیری نمود، این اندیشه‌ها در سه حوزه فلسفه، کلام و فقه مطرح گردید. هرچند به این رویکردها روش‌های درون

دینی گفته می‌شود، اما این روش‌ها از منابع فکری بیرونی به خصوص یونان و در این اواخر از مبانی فکری غرب نیز تأثیر پذیرفته است. بنابراین مهم ترین نقدهای که بر اندیشه سیاسی اسلام مطرح می‌شود، می‌توان در چند نکته خلاصه کرد؛ نخست این که این اندیشه امروزه بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های غربی قرار گرفته که باید برای بازیابی و حفظ هویت اسلامی خود تلاش نماید. دوم این که اندیشه‌های سیاسی بیشتر از هر زمان دیگر تحت تأثیر و نفوذ دولت‌ها قرار دارد و این اندیشه‌ها نباید در خدمت بهره برداری و سلطه دولت‌ها درآید. پژوهشگران باید با محدودیت‌های ناخواسته دولت‌ها مواجه نشوند. بنابراین؛ اگرچه در پژوهش‌های حوزه اندیشه سیاسی اسلام نوآوری‌های صورت می‌گیرد، اما این نوآوری‌ها به اندازه‌ای نیست که به لحاظ نظری بتواند تحولی در این حوزه پدید آورد یا به لحاظ عملی بر روندهای سیاست و حکومت در جوامع اسلامی به طور جدی تأثیر گذار باشد (قادری، ۱۳۸۸: ۳۷۸).

از نظر روشی نیز اندیشه‌های سیاسی اسلام دارای کاستی‌هایی است که باید بر طرف شود؛ هرچند روش یافتن، نیازمند فعالیت و ریاضت فکری و فلسفی عمیق و تدریجی و طولانی است. پیچیدگی دیگر ابداع روش در اینجاست که در عصر تخصص‌گرایی کنونی، طی طریق برای یافتن روش، نیازمند مطالعه همه جانبه دین، سیاست، اقتصاد، جامعه و تاریخ است. پس از مطالعه و اشراف کامل در حوزه‌هایی علوم انسانی است که می‌توان مدعی استخراج روشی خاص شد. به دیگر سخن، دستیابی به معرفت روش هم زمان نیاز به اتصال معرفتی به سنت و گسستی روشی از آنچه هست دارد (بحرانی، ۱۳۸۸: ۴۰۲).

نتیجه‌گیری

اندیشه‌های سیاسی به عنوان بخشی از اندیشه‌های کلی بشر؛ شامل موضوعات و مفاهیمی است که در ارتباط به چگونگی و ضرورت نظام سیاسی، مشروعیت حکومت، اداره جامعه، سعادت و رفاه بشر و... مطرح شده و به توضیح و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. دانشمندان و متفکران برای بررسی این مسائل ناگزیر به انتخاب روش‌هایی است که قدرت و توانایی پاسخ‌گویی به این موضوعات را داشته باشند. روش در حقیقت به مسیر و ابزارهایی توجه دارد که یک محقق برای یافتن پاسخ به پرسش‌های سیاسی‌اش انتخاب می‌کند. از همین جهت یافته‌های پژوهشگران ممکن است با توجه به انتخاب روش و ابزارهای متفاوت، نیز یکسان نباشند.

در حوزه تمدنی اسلامی نیز مسلمانان وقتی با پرسش‌های جدیدی مواجه می‌گردیدند، برای پاسخ به آن‌ها از روش‌های مختلف استفاده کرده‌اند. یک عده از دانشمندان برای پاسخ به پرسش‌های سیاسی با استفاده از منابع یونانی و منابع دینی، از طریق عقل به این مسائل پرداختند و فلسفه

سیاسی اسلامی را به وجود آوردند. دسته دیگری از مسلمانان از روش‌های آمیخته عقلانی و نص به توضیح و تحلیل مفاهیم مانند امامت علاقه نشان دادند. و سرانجام گروه دیگر از مسلمانان تنها به منابع دینی چون کتاب و سنت اکتفا کردند و به استنباط احکام از آیات قرآن کریم و روایات پرداختند.

فلسفه سیاسی با تکیه بر استعداد و نیروی عقلانی انسان به طرح مسایل چون؛ حکومت، سعادت، عدالت و... می‌پردازد و در جستجوی یافتن پاسخ به آن‌ها اندیشه و تفکر می‌کند. به عبارت دیگر فلسفه سیاسی بیشتر با شیوه انتزاعی با نمونه‌های آرمانی حکومت و ابزارهای مناسب دستیابی به آن سروکار دارد. فلسفه سیاسی اسلامی به دنبال فهم آموزه‌های وحیانی برای تبدیل باور انسان به معرفت است. در اسلامی بودن این فلسفه دو دلیل ارایه می‌شود؛ نخست این که فلسفه سیاسی اسلامی در حوزه تمدنی اسلامی شکل گرفته و فیلسوفان مانند؛ فارابی، ابن‌سینا، ابن‌رشد و... را داشته است. دوم این که، فلسفه اسلامی به علاوه منابع فکری یونانی از وحی و آموزه‌های اسلامی نیز جهت پردازش به مسائل و مباحث فلسفه سیاسی استفاده نموده است.

کلام سیاسی از دیگر حوزه‌های معرفت سیاسی در تمدن اسلام است. موضوع بحث کلام افعال خداوند است؛ مسایل مانند؛ انتصاب امامت، خیر و شر، جبر و اختیار و... در کلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. در کلام سیاسی نیز عقل به عنوان مهم ترین ابزار جهت بررسی مسائل مطرح است اما نص از اعتبار بیشتر برخوردار است. در کلام سیاسی مهم ترین بحثی که وجود دارد مسئله امامت است؛ به عبارت دیگر این که آیا خداوند کسی را برای رهبری مسلمانان بعد از پیامبر تعیین کرده است و یا پیامبر کسی را بعد از خودش به عنوان جانشین تعیین کرده است یا خیر؟ کلام سیاسی به آن پاسخ می‌دهد. در این مورد شیعیان معتقدند که تعیین امام برای مسلمان بر خداوند واجب است و خداوند شخصی معصوم و شایسته‌ای را از طریق پیامبر به عنوان امام تعیین کرده است تا از یک سو به مسایل دینی مسلمان پاسخ دهد و از جانب دیگر به زمامداری و اداره جامعه مسلمان بپردازد. از طرف دیگر سنیان این ادعای شیعیان را قبول ندارند و معتقدند که پیامبر بعد از خودش کسی را به عنوان جانشین و امام مسلمان تعیین نکرده است و مسئله خلافت را به عهده و اختیار خود مسلمانان قرارداده است. از نظر روشی مهم ترین ویژگی‌های کلام سیاسی عبارت از تقدم نقل و نص و به حاشیه قراردادن عقل است. هرچند مسلمانان در میزان بهره برداری از عقل در بررسی مسائل سیاسی شان تفاوت دارند و از این جهت، شیعیان به دو گروه اصولیون و اخباریون و سنیان به دو گروه معتزله و اشاعره تقسیم می‌شوند.

علم فقه به استنباط احکام شرعی از متون دینی می‌پردازد. در متون دینی در مورد بعضی از مسائل احکام واضح وجود دارد درحالی که در مورد بعضی از مسائل پاسخ صریح وجود ندارد. بنابراین؛ فقیه

باید با جستجو در منابع اسلامی به استنباط احکام مرتبط به موضوعات روز بپردازد. به صورت کلی در فقه دو نوع از مسائل وجود دارد؛ نخست مسائل مربوط به عبادات و یا چگونگی رابطه فرد با خداوند است. دوم مسائل مربوط به زندگی اجتماعی یعنی چگونگی رابطه افراد با یکدیگر، مانند؛ روابط فرد با فرد، روابط فرد با دولت، روابط دولت با دولت و... می‌باشند. در علم فقه نیز تفاوت‌های اعتقادی و روشی میان شیعیان و سنیان وجود دارد، که مهم‌ترین آن استفاده از عقل در استنباط احکام است. سنیان بیشتر با تکیه بر روایات و نظر صحابه، بدون توجه به ابزار عقل به استنباط احکام فقهی می‌پردازند؛ در حالی که شیعیان به علاوه توجه به آیات و احادیث ائمه به اعتبار عقل نیز اعتقاد دارند. علم فقه از ابتدا تا حال شاهد تحولاتی زیادی در شیوه‌های استنباط شان بوده است، اما امروزه نیازهای شدیدی برای تغییرات و اصلاح این روش احساس می‌شود؛ زیرا دگرگونی‌های به وجود آمده در علم و شناخت انسان و در نتیجه پیشرفت و تخصصی شدن علم و همین‌طور تحولاتی سیاسی که جهان شاهد آن است، علم فقه را پیش از پیش وادار به تعامل با سایر حوزه‌های علمی و سیاسی جهت کارایی بیشتر می‌کند.



منابع

- باقری، رضا (۱۳۸۸). "روش در فقه سیاسی: آسیب ها و بایستگی ها"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- باقری، کاظم (۱۳۹۶). "مبانی انسان شناختی علم سیاست اسلامی در قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و دستاوردهای آن در تولید این دانش"، قبسات، سال بیستم و دوم، پاییز.
- بحرانی، مرتضی (۱۳۸۸). "آسیب شناسی روشی بومی شدن دانش؛ تجربه جهان غرب"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- بهداروندیانی، غلامرضا (۱۳۸۹). "رهیافت های مختلف پیرامون اندیشه سیاسی در اسلام"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره یازدهم، تابستان.
- پزشکی، محمد (۱۳۸۸). "روش و سیاست در فلسفه اسلامی"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۲). "بحران روش شناسی در علوم سیاسی"، بحران روش شناسی در علوم اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و دوم، تابستان.
- درخشه، جلال (۱۳۹۳). گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر، تهران: چاپ سوم، دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹). "اسلام و نظریه های روابط بین الملل: رویکردی فرانظری"، در پوراحمدی، حسین، "اسلام و روابط بین الملل"، تهران: چاپ اول، دانشگاه امام صادق (ع).
- رضوانی، محسن (۱۳۸۸). "روش شناسی فهم فلسفه سیاسی اسلامی"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- طباطبائی، محمدرضا (۱۳۸۸). "مفهوم سعادت؛ کلید متدولوژیک فهم اندیشه های سیاسی اسلامی"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸). "شاخص های روش شناختی تفکیک مطالعات سیاسی اسلام"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). "روش شناسی در تحقیقات فقه سیاسی"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- عنایت، حمید (۱۳۹۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: چاپ ششم، انتشارات خوارزمی.

- فاختوری، حنا (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه در جهان اسلام، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فلاح، رستم نوچه (۱۳۸۸). "سه نظریه به مثابه سه روش؛ مطالعه موردی اندیشه گران مدرن"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- فیراحی، داود (۱۳۹۵). نظام سیاسی و دولت در اسلام، قم: چاپ سیزدهم، سمت و دانشگاه باقرالعلوم.
- قادری، حاتم (۱۳۸۸). "پژوهش و باور"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۸). "تأمل روش شناختی در پژوهش های فلسفه و اندیشه سیاسی اسلام"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۸). "ویژگی ها و چالش های روش شناختی فقه سیاسی شیعه"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۸). "ویژگی های معرفت شناختی فقه سیاسی شیعه و اهل سنت"، در علیخانی، علی اکبر "روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام"، تهران: چاپ دوم، دانشگاه امام صادق.